

ژاک لا کان

درآمدی فمینیستی

ایزابت گروس

ترجمه‌ی مجید انوری

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسنامه: گراس، الیزابت، ۱۹۵۲-م. Grosz, Elizabeth, 1952-
عنوان و نام پدیدآور: ژاک لاکان: درآمدی فمینیستی/الیزابت گروس؛ ترجمه‌ی کیوان آذری.

مشخصات نشر: اردبیل، روشنگاه، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۳۰۶ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۰۶-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: 1990, Jacques Lacan : a feminist introduction

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۹۳-۳۰۳

موضوع: لکان، ژاک، ۱۹۰۱-۱۹۸۱ م

Lacan, Jacques : موضوع

موضوع: روانکاوی و فمینیسم

Psychoanalysis and feminism : موضوع

شناسه افزوده: آذری، کیوان، ۱۳۶۴، مترجم

رده‌بندی کنگره: BF۱۰۹

رده‌بندی دیویی: ۱۵۰/۱۹۵۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۵۸۷۶

www.ketab.ir

ژاک لاکان: درآمدی فمینیستی

الیزابت گروس

کیوان آذری

چاپ اول ۱۴۰۰

شمارگان: صد نسخه

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۸۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۰۶-۹۰۰



نشر روشنگاه

فهرست

پیشگفتار.....	۹
۱. روانکاوی و رسوایی.....	۱۷
۲. اگو و امر تصویری.....	۴۳
۳. جنسیت و مرتبه‌ی نمادین.....	۸۱
۴. زبان و ناخودآگاه.....	۱۲۷
۵. روابط جنسی.....	۱۷۱
۶. لاکان و فمینیسم.....	۲۱۷
نتیجه‌گیری.....	۲۷۵
یادداشت‌ها.....	۲۸۳
کتاب‌نامه.....	۲۹۷

پیشگفتار

دهه‌های پایانی قرن نوزدهم شاهد انقلابی فکری بود که عواقب و پیامدهای آن هنوز هم در حال آشکارشدن است. می‌توان تحول پایان آن قرن را در سه نام خلاصه کرد — نیچه، مارکس و فروید — که آثارشان افق شناخت‌های معاصر از سوپزکتیویته‌ی انسانی را تعریف می‌کند. این سه متفکر وجه اشتراک اندکی داشتند اما در این تردید متفق القول بودند که سوژه‌ی انسانی — که به مثابه موجودی خودآگاه و عقلانی در نظر گرفته می‌شد — دیگر نمی‌توانست شالوده‌ای برای تأمل نظری^۱ تنوریک فراهم کند. هر کدام از آنها دعوی فرد درباره‌ی خودمختاری، خودشناسی و خودکنترلی را مرکز زدایی کردند. هر کدام از آنها با کارترینیسم^۲ غالبی که در لیبرالیسم، تجربه‌گرایی، ایده‌آلیسم و اومانیزم نفوذ کرده بود مخالفت کردند. هر کدام از آنها نسبت به مرکزیت و پیش‌دادگی متسبب به خودآگاهی بدگمان بودند و آن را نه علت بلکه معلول اراده‌ی معطوف به قدرت (نیچه)، معلول روابط طبقاتی (مارکس) یا معلول عاملیت‌های روانی (فروید) در نظر می‌گرفتند.

از نظر نیچه نقد خودآگاهی شکلی وارونه به خود می‌کند. خودآگاهی محصول پیکرمندی^۳ یا نیروهای بدنی، استراتژی‌های بقا و استراتژی‌های اجتماعی‌ای است که تاریخ و فرآیندهای شکل‌گیری خودشان را فراموش کرده‌اند. برای مثال، عقل ویژگی یا مشخصه‌ای از ذهن نیست بلکه پیامد مبارزات سیاسی یا جبری بین چندین پرسپکتیو رقیب است که در آن یک پرسپکتیو (تاریخی، زمانمند، موقتی) استیلا می‌یابد. از نظر مارکس خودآگاهی محصول ساختار روابط طبقاتی‌ای است که آن را به مثابه «خودآگاهی کاذب» برمی‌سازند، خودآگاهی‌ای گمراه یا غیر قابل اعتماد، خودآگاهی‌ای ایدئولوژیک که شکل‌های پیش‌داده‌ی روابط طبقاتی و اقتصادی را وارونه و در نتیجه سوءبازشناسی می‌کند. از نظر فروید

۱. speculation. نظرآوری، انعکاس

۲. Cartesianism. دکارت گرایی

خودآگاهی و خودمحوریت آن می‌تواند محصول «دفاع‌های» روانی ناخودآگاه — انکار، تکذیب، مقاومت — باشد. یعنی خودآگاهی با سبک خاصی از خودفریبی همانندسازی می‌شود. سوژه نمی‌تواند آگاهانه از ساختارهای اقتصادی، زبانی، مادی یا ناخودآگاه شناختی کسب کند، اینها ساختارهایی هستند که سوژه به آنها متکی است و چه‌بسا تقریباً هیچ تاثیری روی آنها نداشته باشد. حتی جایی که شخص نقش عامل این ساختارها را ایفا می‌کند به‌هیچ‌وجه نمی‌توان او را کنترل‌کننده‌ی آنها در نظر گرفت.

این وارونگی‌های کوگیتوی دکارتی پرسش‌هایی تحمل‌ناپذیر درباره‌ی منشأ و تاریخ سوژه برای اومانسیم لیبرال مطرح می‌کنند، پرسش‌هایی که اگر سوژه یا خودآگاهی امری داده‌شده در نظر گرفته می‌شد، حتی نمی‌توانستند طرح شوند. تا زمانی که دانش و شناخت معاصر با این پرسش‌ها مواجه نشود — پرسش‌هایی که موضوع یا جایگاه فرد را از تولیدکننده به محصول تغییر می‌دهند — گرفتار سیستم‌های فکری‌ای باقی می‌مانیم که به جای کمک به پیشرفت کاوش و بررسی شاید امکان‌پذیری‌های به لحاظ تاریخی فرودست، هنجارهای سیاسی موجود را توجیه یا عقلانی‌سازی می‌کنند. اگر دکارت آغازگاه مفهوم مدرن سوبرکتیوئه را نشان می‌دهد، دراین‌صورت می‌توان نیچه، مارکس و فروید می‌توانند کسانی قلمداد کرد که فهم پست‌مدرن را به حرکت در می‌آورند. این پست‌مدرنیته حاکی از طبیعت‌زدایی و ثبات‌زدایی (یعنی تاریخی‌سازی) سوژه‌ی شناسنده است. پست‌مدرنیته فرمول دکارت را وارونه می‌کند، آنجا که اندیشیدن وجود دارد، هیچ منی، هیچ خودآگاهی وجود ندارد.

فروید به شکلی صریح‌تر و مستقیم‌تر از نیچه و مارکس در هم آمیخته شدن خودآگاهی و سوبرکتیوئه توسط دکارت را به چالش می‌کشد. فهم او از ناخودآگاه، جنسیت، بازنمایی‌های روانی و فرایندهای درگیر در بر ساخت سوژه، جایگاه سوژه‌ی دکارتی به مثابه شالوده و منبع شناخت را به چالش می‌کشد. اگر سوژه ضرورتاً ناتوان از شناخت خود است — یعنی اگر ناخودآگاهی وجود دارد — دراین‌صورت ادعاهای سوژه در مورد پایه‌ریزی شناخت از جهان بر مبنای قطعیت وجود خودش نیز مسئله‌دار هستند. اگر سوژه نمی‌تواند خود را بشناسد چرا باید باور کنیم که می‌تواند هر چیز دیگری را با قطعیت مطلق بشناسد؟ این مستلزم شک‌گرایی یا

پوچ‌گرایی ای نیست که بر اساس آنها شناخت امکان‌ناپذیر است بلکه چه‌بسا حکایت از آن دارد که شناخت، خودآگاهی و سوژکتیو به باید در چارچوبی متفاوت دوباره مفهوم‌پردازی و از طریق معیارهایی جدید ارزیابی شوند، معیارهایی که وابستگی چندان عمیقی به سوژه به‌مثابه موجودی خودشفاف^۱ ندارند.

فروید کار خود درباره‌ی ناخودآگاه را به «انقلاب کوپرنیکی» تشبیه کرده است، جایی که آگیا خودآگاهی، همانند خود زمین، دیگر به جای مرکز جهان اشتباه گرفته نمی‌شود. [۱] این کتاب برخی از پیامدهای همین «انقلاب کوپرنیکی» را برای تئوری‌پردازی سوژکتیویتی انسانی کندوکاو خواهد کرد. این کتاب شیوه‌هایی را بررسی می‌کند که پرسپکتیوروانکاوانه‌ی لاکانی یا فرویدی بسیاری از مفروضات مشترک شناخت و سوژکتیو به را هم در علوم اجتماعی و علوم انسانی و هم در زندگی روزمره به چالش می‌کشد و متلاشی می‌کند. فروید برتری و اولویت خودآگاهی را با اصل موضوعه‌ی ناخودآگاه‌اش وارونه می‌کند. لاکان وارونگی خودش را به اجرا در می‌آورد: او بیشتر از هر پسلفرویدی دیگری در تفسیرهای ذاتاً درست پنداشته‌شده از متون فروید تردید می‌کند و مرکزیت اعطاشده به آگو در روانشناسی آگو را با تأکید بر فعالیت‌های زبان‌مانند ناخودآگاه براننداری می‌کند.

این کتاب به طور کلی روی تلاش‌های لاکان برای فهم روانکاوانه‌ی سوژکتیو به تمرکز خواهد کرد. این به آن معنا است که الزاماً با توجه به اینکه لاکان کار خود را خوانشی از متون فروید قلمداد می‌کند، کار خود فروید باید به شکلی برجسته مطرح شود. عملاً فهم نوشته‌های لاکان بدون آشنایی کامل با فروید امکان‌ناپذیر است، علی‌الخصوص به این دلیل که لاکان ندرتاً به متن‌هایی که تحقیق و تفحص می‌کند ارجاعات یا پانوشته‌های صریحی اضافه می‌کند، او نه ارجاعات صریح بلکه کنایه‌ها، اصطلاح‌ها و استعاره‌ها را ترجیح می‌دهد. [۲] من امیدوارم مقداری از این پس‌زمینه‌ی مفروض برای سمینارها و مقاله‌های لاکان را فراهم کنم. با توجه به کنایه‌واربودگی سرشار، طنزآمیزبودگی و پیچیدگی آنها، من در راستای تحلیل کامل و فراگیر کار او تلاش نخواهم کرد (حتی اگر چنین کاری امکان‌پذیر

باشد) بلکه تلاش من به فراهم کردن یک نمای کلی مقدماتی اما انتقادی از پرسپکتیو فمینیستی معطوف خواهد بود.

با اینکه در اینجا مسئله‌ی مرکزی من لاکان است، خود وارونگی اولویت اگو و خودآگاهی از طرف او، از طریق تحول «کوپرنیکی» خودش وارونه می‌شود یا در معرض آن قرار می‌گیرد. اما این بار بر حسب مرکزیت اعطاشده به یک جنس در تعریف کردن جنس دیگر، به عبارت دیگر گرچه روانکاوی مسلماً موشکافانه‌ترین و متقاعدکننده‌ترین توضیح از سوژکتیو را فراهم می‌کند، خود روانکاوی در پرسپکتیوها، روش‌ها و مفروضاتش فالوستریک^۱ است. بخش‌های پایانی این کتاب شیوه‌هایی را بررسی خواهد کرد که فمینیست‌ها مدل سوژکتیو و تفاوت جنسی لاکان را به کار برده‌اند و/یا نقد کرده‌اند. بخش‌های ابتدایی نیز خالی از توجهات فمینیستی نیستند. در اینجا فمینیسم معیارهای بنیادینی را فراهم می‌کند که لاکان از طریق آنها ارزیابی خواهد شد. تحلیل من هیچ ادعایی مبنی بر واقع‌بینی، هیچ ادعایی مبنی بر اینکه این تحلیل مباحثه‌ای بی‌طرفانه، غیر جانبدارانه یا شرحی بی‌غرض است، ندارد. برعکس، امیدوارم هیجان‌هایی را آشکار کنم که به شکلی در روابط بین فمینیسم‌ها و روانکاوی لاکانی سرمایه‌گذاری شده‌اند. با وجود این تلاش خواهم کرد خطوط کلی کمایش سیستماتیک فهم لاکان از روانکاوی (بخش ۱)، برداشت و/یا اگو (بخش ۲)، عقده‌ی ادیپ (بخش ۳)، ناخودآگاه ساختار یافته همانند زبان (بخش ۴)، راله و روابط جنسی یا عاشقانه (بخش ۵) را شرح و بسط دهم. این موضوعات اگر در کنار همدیگر در نظر گرفته شود می‌توانند نقش درآمد یا چکیده‌ای از تئوری‌های مربوط به بر ساخت سوژه (جنس یافته^۲) را ایفا کنند که از کار لاکان حاصل شده‌اند. با توجه به گستره و دامنه‌ی کارهای لاکان در طول تقریباً پنجاه سال، مسلماً مباحث زیادی وجود دارد که دست نخورده کنار خواهم گذاشت. با وجود این اگر عناصر کلیدی کار او در اختیار خواننده غیر متخصص قرار داده شود چه بسا سایر مطالب او نیز قابل دسترس‌تر شود.

1. phallogentric

2. sexed